

فرا تحلیلی بر ارتباط سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن

صدیقه شعاع^۱

محسن نیازی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲

چکیده

در جامعه امروزی مدیریت بدن به معنای دست کاری مستمر در ویژگی های ظاهری آن گسترش چشمگیری یافته است و بدن به عنوان عنصری هویت ساز و اجتماعی در حوزه جامعه شناسی، مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است. در این پژوهش که با هدف فراتحلیل رابطه متغیرهای مدیریت بدن و سرمایه فرهنگی انجام شده است، پس از بررسی های اولیه و استخراج مطالب توسط نویسندگان و تأیید نهایی داوران، ۱۰ پژوهش از میان ۳۸ پژوهش جستجو شده در پایگاه های اطلاعاتی در خصوص مدیریت بدن که دارای شرایط لازم بودند، انتخاب و داده ها توسط نرم افزار فراتحلیل جامع (CMA) مورد واکاوی قرار گرفتند. در این پژوهش با عنایت به نتایج بررسی ناهمگنی، مدل اثرات تصادفی متناسب تشخیص داد شد و اندازه اثر ترکیبی رابطه ۳۲ درصد به دست آمد که بر اساس معیار کوهن یک اندازه اثر متوسط است. به عبارت دیگر سرمایه فرهنگی نقش متوسطی را در تبیین واریانس مدیریت بدن ایفا می کند.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، مدیریت بدن، فراتحلیل، جامعه شناسی بدن.

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه کاشان shooae@grad.kashanu.ac.ir

۲. استاد گروه جامعه شناسی دانشگاه کاشان، (نویسنده مسئول) niazim@kashanu.ac.ir

توجه به بدن، زیباسازی و مدیریت آن قدمت طولانی دارد و همواره یکی از مباحث مهم در تاریخ اندیشه آدمی بوده است. در دوره پیشامدرن، تمایز جدی میان ذهن و جسم وجود داشت و با نگاهی سلسله‌مراتبی ذهن برتر از جسم زمینی و به‌مثابه عنصری منفی، مانع تعالی فرد تلقی می‌گردید. (اباذری و حیدری، ۱۳۸۷: ۱۲۸). اما در دوران مدرن، پس از تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اواخر قرن بیستم و با سیاسی‌شدن بدن، ایجاد جنبش‌ها، گسترش آکادمی‌های فمینیستی، رشد فرهنگ مصرفی، پیدایش تکنولوژی‌های جدید و مدرنیته متأخر، بدن از حالت صرفاً ارگانستی خارج شده و به پدیده‌ای فرهنگی، اجتماعی و به یکی از موضوعات مهم اجتماعی معاصر تبدیل شده است (نتتون^۱ و واتسون^۲، ۱۹۹۸: ۷-۴؛ هاوسون^۳، ۲۰۰۵: ۱۸) که ساخت و کارکرد آن تابعی از باورهای اجتماعی و فرهنگی فرد است. جامعه و فرهنگی که شخص در آن رشد می‌کند، به فرد آموزش می‌دهد که چگونه بسیاری از تغییراتی را که در طول زمان و در بدن خود و در بدن‌های دیگران اتفاق می‌افتد، ادراک، تفسیر و مدیریت کند (هلمن^۴، ۲۰۰۷).

در دوران معاصر بیش از هر زمان دیگری تصور از بدن، خارج از جامعه وجود ندارد، بدن‌ها به‌صورت فرهنگی ساخته می‌شوند و تجسم‌کننده فرهنگ و اجتماعی هستند که در آن زندگی می‌کنند و تجارب بدنی مانند ادراکات، احساسات و مواردی مانند آن، به‌عنوان الگوهای فرهنگی در هر زمان می‌توانند درک عمیق‌تری از فرهنگ و جامعه‌ای را که در آن تجسم یافته‌اند، ارائه نمایند (کیوان آرا، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

امروزه با توجه به مصرفی‌شدن جامعه و بصری شدن منبع اصلی برقراری ارتباط، افراد جامعه نسبت به اهمیت ظاهراً آگاه شده و اهمیت بسیاری به این حوزه، تحت کنترل خود داده و به‌وسیله مدیریت بدن روایت معینی از هویت خود را حفظ می‌کنند (آزاد و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶۲-۵۹؛ افراسیابی و خرم‌پور، ۱۳۹۴: ۱۹۲). مدیریت بدن به معنای دستکاری مستمر در ویژگی‌های ظاهری و مرئی بدن است و این مفهوم با کمک معرف‌هایی مانند انواع عادات در لباس پوشیدن، آرایش موی سر، استفاده از پیرایه‌ها، رژیم



1. Nettelton
2. Watson
3. Howson
4. Helman

غذایی، دستکاری پزشکی، میزان اهمیت دادن به مراقبت‌های آرایشی و بهداشتی، جراحی‌های زیبایی، کنترل وزن و... سنجیده می‌شود (آزاد و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶۴).

سرمایه فرهنگی به‌عنوان یکی از متغیرهای اصلی و تأثیرگذار بر مدیریت بدن به‌عنوان شاخصی ترکیبی، شامل بُعد تجسم‌یافته یعنی تمایلات و گرایش‌های ذهنی و روانی افراد به مصرف و استفاده از کالاهای فرهنگی، بُعد عینی یعنی میزان مصرف مستقیم کالاهای فرهنگی و بُعد نهادی یعنی مدارک و مدارج تحصیلی و علمی فرهنگی افراد است (بورديو^۱، ۱۹۸۶: ۲۴۶). مسئله بدن و تصور از آن، به ارزش‌ها و فرهنگ اجتماع برمی‌گردد، با افزایش سرمایه فرهنگی، افراد تمایل بیشتری به مدیریت بدن خود می‌یابند، تفکر خودکنترلی در آنها پرورش یافته و افراد تشویق می‌شوند تا با استفاده از استراتژی‌های ابزاری به مدیریت بدن خود بپردازند و بدن‌شان را به‌عنوان پروژه‌ای در دست اقدام بدانند (قادرزاده، ۱۳۹۲: ۸۶؛ خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۱). رواج افراط‌گونه این پدیده در جامعه معاصر در برخی موارد منجر به بروز مشکلاتی در بدن نظیر بی‌نظمی در تغذیه، کاهش اعتماد به نفس، لاغری، آسیب‌های بدنی و غیره شده و باعث گردیده بسیاری از افراد و خصوصاً جوانان و زنان، ظاهر فیزیکی خود را آن‌گونه که هست، نپذیرفته و همواره به دنبال تغییر آن باشند (رضایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴؛ احمدنیا، ۱۳۸۵: ۸۵). مصرف بالای لوازم آرایشی و فراوانی عمل جراحی‌های زیبایی در ایران گواهی بر این موضوع در جامعه ما به‌شمار می‌رود.

اهمیت این مسئله سبب انجام تحقیقات مختلفی در ایران و خارج از کشور در خصوص تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر مدیریت بدن شده است. در این پژوهش‌ها تأثیر عواملی مانند نگرش به نقش جنسیتی، پذیرش بدن، شیوه زندگی، پایگاه اقتصادی، سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت شغلی، وضعیت تأهل، جهانی شدن، نوگرایی، استفاده از رسانه‌های ارتباطی، هویت فردی، مصرف‌گرایی، سبک زندگی، جلب توجه جنس مخالف، سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و غیره بر مدیریت بدن مورد بررسی قرار گرفته است (آزاد و چاوشیان، ۱۳۸۱: ذکایی، ۱۳۸۵؛ فاتحی و اخلاصی، ۱۳۸۷؛ ابراهیمی و بهنوئی، ۱۳۸۸؛ ابراهیمی و ضیاءپور، ۱۳۹۰؛ رضایی و همکاران، ۱۳۸۸؛ احمدنیا، ۱۳۸۵؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۲؛ موحد و همکاران، ۱۳۸۹؛ مختاری و همکاران، ۱۳۹۰).

1. Bourdieu





ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۰؛ سلطانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ مؤدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ عباسزاده و همکاران، ۱۳۹۲؛ میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲؛ خواجهنوری و همکاران، ۱۳۸۸؛ خواجهنوری و همکاران، ۱۳۹۲؛ مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹؛ لنون^۱ و راد^۲، ۱۹۹۴؛ گروث^۳ و همکاران، ۲۰۰۹؛ بلک^۴ و شرما^۵، ۲۰۰۱؛ تونی^۶، ۲۰۰۴؛ جیم لین^۷، ۲۰۰۶؛ هوانگ^۸ و همکاران، ۲۰۰۷؛ تیگ من^۹ و همکاران، ۲۰۰۱؛ جوشا، ۲۰۰۷ و...).

از آنجا که سرمایه فرهنگی خصوصاً سرمایه فرهنگی فردی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر مدیریت بدن محسوب می‌شود، این مطالعه در صدد آن است به وسیله فراتحلیل به بررسی این رابطه بپردازد. فراتحلیل، تحلیل آماری چندین مطالعه و تحقیق منفرد در حوزه معین، به منظور ترکیب و ارزیابی آنهاست. در این روش با تبدیل نتایج تحقیقات مختلف به یک مقیاس مشترک، با تجمیع یافته‌ها رابطه بین دو متغیر مورد بررسی قرار می‌گیرد و یک تصویر کلی و بدون ابهام از موضوع پژوهش ارائه می‌نماید که می‌تواند به مراتب مفیدتر از طرح‌های پژوهشی جدید باشد (هومن، ۱۳۸۷: ۱۳). در این مطالعه تلاش شده است با بررسی تحقیقاتی که در این خصوص صورت پذیرفته است و جمع‌بندی اطلاعات موجود به دیدی جامع‌تر دست یافت.

مروری بر نظریات

بدن عرصه‌ بازآفرینی فرهنگ و اجتماع است و ویژگی‌ها و انواع سرمایه‌های فرهنگی افراد، چه آن بخش از سرمایه فرهنگی که در قالب آمادگی‌های ذهنی و جسمی است و چه بخشی که به شکل استفاده از کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی بروز یافته و یا بخشی که مرتبط با کسب انواع مدارک و تحصیلات دانشگاهی است، همه بر آمادگی‌های رفتار کنش‌گران به‌عنوان یک شاخص و مؤلفه مهم سبک زندگی مؤثر است. تفاوت و تمایزهای

1. Lennon
2. Rudd
3. Groth
4. Blak
5. Sharma
6. Toni
7. Gimlin
8. Huang
9. Tiggemann

افراد که ناشی از روش‌های گوناگون به کارگیری محصولات مادی و نحوه درک و تفسیر آن است، مبنایی برای تعریف منزلت و هویت افراد قرار می‌گیرد که این به معنای تعریف خود از طریق الگوهای مدیریت ظاهر و بدن است که سبب گرایش افراد به سبک‌های زندگی خاصی شده و باعث می‌گردد افراد از طریق سرمایه‌های فرهنگی بین خود تمایز قابل شوند (آزاد و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۵۹؛ ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۷).

با اهمیت یافتن بدن و مدیریت و نظارت بر آن، این موضوع مورد توجه متفکرین قرار گرفته و مباحث مرتبط با آن نه تنها در تحقیقات تجربی، بلکه در تئوری‌ها و نظریه‌پردازی‌ها جایگاه مناسبی را به خود اختصاص داده است (هاوسون و انگلیس^۱، ۲۰۰۱: ۱۲۹۷). عده‌ای از نظریه‌پردازان بر مبانی زیست‌شناسی و بیولوژیک بدن انسان تأکید می‌کنند، گروهی مسائل و علت‌های روان‌شناسی را در تبیین این پدیده به کار می‌برند و عده‌ای با رد نظریات زیست‌شناسانه و روان‌شناسانه، بدن را شامل معانی اجتماعی می‌دانند که توسط جامعه محدود گردیده است. اما اغلب متفکران در زمینه جامعه‌شناسی بدن، دیدگاهی ترکیبی اتخاذ نموده و برآنند که بدن ترکیبی از امر اجتماعی و امر زیستی است؛ بدین معنا که با وجود اینکه دارای مبانی مادی و زیست‌شناختی است، اما این قابلیت را دارد که در زمینه‌های اجتماعی مختلف، جایگزین یا تعدیل شود (اباذری و حیدری، ۱۳۸۷؛ اخلاصی و فاتحی، ۱۳۸۹ و علیزاده، ۱۳۹۲).

هر چند در حوزه اجتماعی مباحث مرتبط با بدن و تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر آن را می‌توان در آثار متقدمینی چون مارکس و دورکیم مشاهده نمود، اما با پیدایش نظریه‌های کنش متقابل، بدن در نظریات اجتماعی بیشتر مورد توجه واقع شد و هر چند در بسیاری از این نظریات مستقیماً اصطلاح سرمایه فرهنگی و ارتباط آن با بدن عنوان نشده است، اما معنای آن در قالب عوامل اجتماعی مطرح شده است، چنانچه زیمل با اشاره به جایگاه پایین‌تر اجتماعی زنان در جامعه، به مسئله مد و اقبال بیشتر زنان به این پدیده توجه کرده است. کولی، مفهوم خود آینه‌سان را مطرح می‌نماید که از سه عنصر اصلی ساخته می‌شود، نخست، ظاهر ما در نزد دیگران چگونه است. دوم، دیگران چه قضاوتی در مورد ظاهر ما انجام می‌دهند و سوم اینکه چه احساسی از خود برای ما پدید می‌آید (کوزر، ۱۳۷۷). روزنبرگ نیز این مفهوم را در واژه «برداشت از خود» مطرح نموده





و بیان می‌کند که افراد سه نوع برداشت از خود دارند: ۱. خود موجود. ۲. خود دلخواه. ۳. خود وانمودی (ریتزر^۱، ۱۹۶۵:۲۸۹). بر طبق این دیدگاه، این جامعه است که به انسان‌ها تصویری از خود را ارائه نموده و وادار می‌کند جهت مطلوب شدن دیدگاه‌های اجتماعی و نمود شایستگی بیشتر، به مدیریت بدن پردازند. همچنین در این مکتب گافمن موضوع مدیریت بدن را با رهیافت نمایشی تشریح می‌کند و مسئله مورد توجه او در خصوص تصرف مردم در بدن و تغییر آن در جریان امور روزمره است (شیلینگ^۲، ۲۰۰۵:۸). او نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی را اجرای نمایش می‌داند و معتقد است که خود به وسیله نقش‌هایی که هر کس ایفا می‌کند، شکل می‌گیرد (لوپز^۳ و اسکات^۴، ۱۳۸۵:۱۵۵). گافمن خود را آسیب‌پذیر می‌داند و برای حفاظت از خود و اجراهای آن، اصطلاح مدیریت تأثیر گذاری را مطرح می‌نماید. همچنین او با استفاده از اصطلاح داغ ننگ، سنخ‌شناسی اجتماعی از داغ‌ها ارایه می‌کند و از داغ‌هایی مانند زشتی بدن، نقص در شخصیت یا صفات و چاقی بدن نام می‌برد (دوبرا^۵ و فریدمن^۶، ۲۰۰۶:۲۸).

وبلن نیز با طرح موضوعات مصرف و فراغت تظاهری و نیابتی ثروت را به تنهایی جهت کسب اعتبار اجتماعی کافی ندانسته و نمایش آن را ضروری می‌داند. او رفتارهای مصرفی را به حوزه قشربندی پیوند زده و معتقد است اعضای هر لایه از اجتماع، زندگی لایه بالاتر را تقلید و احترام هر انسان به وسیله پیرایه‌های تجملی اوست و بدین وسیله افراد با مصرف کالاهای فرهنگی تجملی، کسب اعتبار می‌کنند (بهار و وکیلی قاضی جهانی، ۱۳۹۰:۶۳؛ کیوان آرا و همکاران، ۱۳۸۹:۷۸).

در نظریات متأخر نوربرت الیاس در قالب نظریه متمدن شدن خود، فرآیند منضبط ساختن بدن و کنترل کردن رفتارهای پرخاشگرانه را نشان می‌دهد (ذکایی، ۱۳۸۶:۱۷۵). او بدن را به عنوان موضوعی تاریخی و در ارتباط با مقوله مدرن شدن مورد توجه قرار داده است (فدرستون^۷، هپوارث^۸ و ترنر^۹، ۱۹۹۱) و با رویکردی توسعه‌ای در مورد بدن تغییرات

1. Ritzer
2. Shilling
3. Lopez
4. Scott
5. Deborah
6. Friedman
7. Featherstone
8. Hepworth
9. Turner

به وجود آمده در نمای فیزیکی و احساسی بدن را نتیجه فرایندهای تمدن‌سازی در افراد و جامعه می‌داند. به نظر الیاس، در فرایند رشد مدنیت، به تدریج تابوهای بدنی ساخته می‌شود و نظم حاکم بر بدن، گونه کوچک‌تر نظم حاکم بر جامعه است (اتکینسون^۱، ۲۰۰۸: ۶۷). از نظر گیدنز خودآرایی و تزیین خود با پویایی شخصیت مرتبط است. در این معنا پوشاک علاوه بر آنکه وسیله مهمی برای پنهان‌سازی یا آشکارسازی وجوه مختلف زندگی شخصی است، نوعی وسیله خودنمایی نیز است؛ چراکه لباس آداب و اصول رایج را به هویت شخصی پیوند می‌زند. حالات چهره و دیگر حرکات بدن فراهم آورنده محتوای اساسی نشانه‌هایی است که ارتباطات روزمره مشروط به آنهاست و برای اینکه افراد یاد بگیرند عاملی صلاحیت‌دار باشند، یا به عبارت دیگر، برای آنکه بتوانند به‌طور مساوی با دیگران در تولید و بازتولید روابط اجتماعی شریک شوند، باید قادر باشند نظارتی مداوم و موفقیت‌آمیز بر چهره و بدن خویش اعمال نمایند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۹۵). داگلاس نیز مانند دیگر متفکران مطرح شده، بدن را نمادی از جامعه می‌داند. او بدن را مستعدترین تصویر قابل دسترس از نظام اجتماعی معرفی نموده و عقیده دارد بین بدن اجتماعی و فیزیولوژیک رابطه متقابل وجود دارد و هر یک که قوی‌تر باشد، دیگری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. گاهی این دو بدن، آنچنان به هم نزدیک می‌شوند که تقریباً یکی می‌شوند، گاهی نیز بسیار فاصله دارند و تنش بین این دو امکان تشریح معانی را فراهم می‌سازد (شیلینگ^۲، ۱۹۹۳: ۷۲).

فوکو یکی از نخستین کسانی است که در دوران اخیر، پرسش از بدن را وارد علوم اجتماعی کرده است. او پیکر آدمی را در ارتباط با مکانیزم‌های قدرت مورد تحلیل قرار داده و توجه خود را بیشتر بر ظهور قدرت انضباطی در متن جامعه جدید متمرکز نموده است. به نظر فوکو در جامعه جدید، بدن انسان به صورت کانون قدرت در می‌آید و این قدرت به جای تجلی بیرونی، تحت انضباط درونی ناشی از کنترل ارادی حرکات بدن قرار می‌گیرد و خود کانون قدرت می‌شود. از نظر او مکانیزم‌های انضباطی سبب پیدایش بدن‌های مطیع و فرمان‌بردار می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۸). او بدن را همچون فرآورده دانش و قدرت می‌پندارد و از آن به‌عنوان واسطه‌ای برای اعمال و ابراز قدرت نام می‌برد. از نظر او

1. Atkinson
2. Shilling





ویژگی‌های ظاهری و فیزیکی بدن، موقعیت و قدرت چانه‌زنی متفاوتی به افراد می‌بخشد و افراد آگاهانه از آن برای سرمایه‌گذاری بیشتر استفاده می‌کنند. شیوه جدید کنترل در جامعه مصرفی معاصر به گونه‌ای است که کنترل بر بدن از طریق سرکوب اعمال نمی‌شود، بلکه کنترل از طریق تحریک صورت می‌گیرد و مفاهیمی مانند لاغری‌باش، خوش‌ظاهرباش، برنزه‌باش به افراد القاء می‌شود (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۷۷). اندیشه محوری نظریه فوکو این است که بدن نه یک هستی زیست‌شناختی و روان‌شناختی، بلکه پدیده‌ای است که به صورت اجتماعی ساخته می‌شود که این دیدگاه از طریق جامعه‌شناسی معرفت برگر و لاکمن نیز مورد تأیید است.

ترنر علایق علمی معاصر در مورد بدن را واکنشی به تغییرات بنیادی در رابطه بین بدن، اقتصاد و فنون شبیه‌سازی و جامعه می‌داند و معتقد است مصرف‌گرایی، سبب توجه بیشتر به لذت و خوشی و در نتیجه دگرگونی در ادراک از بدن شده است. وی با مطرح کردن جامعه جسمانی موضوع مواظبت و نظارت بر بدن را مطرح نموده و بدن را به صورت ابژه‌ای می‌بیند که هم‌زمان دارای جنبه فیزیکی و اجتماعی است (خواجانه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۰).

الن اندل^۱ جامعه‌شناس پزشکی انگلیسی تفکر نظری غرب در خصوص تضاد ذهن و جسم را مورد بررسی قرار می‌دهد و هدف جامعه‌شناسان بدن را مشخص کردن و تأکید بر وجود رابطه دیالکتیکی میان بدن فیزیکی و ذهنیت انسانی می‌داند و آن‌را به بدن زیست شده ارجاع می‌دهد. وی درهم آمیختگی روح و بدن را امری دائمی می‌داند که در هر مرحله از حرکت وجود متحقق می‌شود و بنابراین تجربه ما و بودن ما در این جهان، به واسطه رابطه مألوف بدن‌مان با جهان صورت می‌گیرد. او در خصوص جامعه‌شناسی بدن قائل به جریان داشتن نوعی بازخورد است که طی آن محیط‌های اجتماعی بدن‌ها را می‌سازند و این ساخته شدن بدن‌ها به نوبه خود بر رفتار اجتماعی اثر می‌گذارد (اندل، ۱۹۹۸: ۵۷).

فمنیست‌ها نیز با این تفکر که بدن زنان را صرفاً به‌عنوان فرایندهای زیستی طبیعی شناخته و مخالف این عقیده هستند که زنان از انجام فعالیت‌های ذهنی و عقلانی ناتوانند؛ همچنین به درگیری زنان با صنعت زیبایی انتقاد می‌کنند و زنان را به‌عنوان قربانیان هنجارهای زیبایی و ایدئولوژی که تحمیل شده از سوی نخبگان قدرت و سیستم

پدرسالاری است، می‌دانند و رویه‌های زیباسازی زنان را به فشارهای ساختاری سیستم و عوامل فرهنگی و اجتماعی مربوط می‌کنند (ولف^۱، ۱۹۹۱؛ دیویس^۲، ۱۹۹۶). فمینیست‌های رادیکال، استانداردهای زیبایی را معانی کنترل اجتماعی می‌دانند که از سوی نخبگان قدرت استفاده می‌شود و معتقدند آرایش زنان از سوی مردان تحمیل شده و جنبه جنسی داشته و به بازتولید ستم جنسی کمک می‌کند (پی سز^۳، ۱۹۹۶:۱۶۲).

در این میان بوردیو تحلیل خود از بدن را به تولید و تبدیل سرمایه پیوند می‌زند و سرمایه را به چهار نوع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی تقسیم می‌نماید. او سرمایه بدن را به‌عنوان یکی از انواع فرعی سرمایه فرهنگی و نوعی منبع فرهنگی می‌داند که در بدن سرمایه‌گذاری شده است. همچنین معتقد است هر کدام از سرمایه‌های فرهنگی فرد، بر نگرش وی نسبت به بدنش تأثیرگذار است و طبقات اجتماعی مختلف با توجه به سرمایه‌ای که در اختیار دارند، به شیوه‌های مختلفی با بدن خود برخورد می‌کنند (عباس‌زاده و همکاران، ۲۰۱۱:۱۳۹۲؛ حیدرخانی و همکاران، ۱۳۹۲:۶۰). شیلینگ نیز مانند بوردیو بدن را نوعی سرمایه می‌داند که از طریق توانایی گروه‌های مسلط در معرفی بدن و سبک زندگی خودشان به‌عنوان سبک زندگی ارزشمند و والا تبیین و تعریف می‌شود. وی بدن را پروژه‌ای ناتمام می‌داند که طی فرایند مشارکت در جامعه تغییر می‌یابد و معتقد است مدرنیته متأخر نوعی تفرّدسازی بی‌سابقه را در باب بدن خلق کرده است که بر اساس آن معناها مستور گردیده و بدن به حامل ارزش نمادین مبدل شده است (احمدنیا، ۱۳۸۴:۱۳۲).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش فراتحلیل انجام شده است. فراتحلیل روشی آماری است که واحد تجزیه و تحلیل در آن، مطالعه است و نه آزمودنی. در این روش به بررسی یک فرضیه یا سؤال، به‌شکل کاملاً دقیق پرداخته می‌شود و بدین منظور نتایج حاصل از مطالعات متعدد و مستقل گذشته در باب موضوع یا موضوعات خاص بررسی و به کمک نرم‌افزارهای مناسب آماری کلیه نتایج یکسان گردیده و به آماره جدیدی به نام اندازه اثر تبدیل می‌گردد. اندازه

1. Wolf
2. Davis
3. Peiss





اثر شاخصی است کمی که نتایج و یافته‌های آماری مطالعات در قالب آن خلاصه و یک‌دست می‌شود. این آماره عنصری کلیدی در فرا تحلیل است که وظیفه یک‌شکل کردن یافته‌های آماری گوناگون را بر عهده دارد تا امکان مقایسه و ترکیب نتایج فراهم آید (دلاور، ۱۳۸۱). در پژوهش حاضر جهت انتخاب تحقیقات اولیه پس از یک مطالعه مقدماتی کلیدواژه‌های مدیریت بدن، مدیریت ظاهر، جامعه‌شناسی بدن، زیبایی، تغییر بدن و سرمایه فرهنگی در بانک‌های اطلاعاتی شامل مرکز اسناد و مدارک ایران^۱، پایگاه جهاد دانشگاهی^۲، سایت خصوصی بانک مجلات ایران^۳ و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی^۴ جستجو شده و تعداد ۳۸ مقاله پژوهشی تمام‌متنی استخراج گردید. در مرحله بعد، پژوهش‌هایی که به صورت کمی به روش پیمایش به بررسی موضوع پرداخته، در حوزه جامعه‌شناسی قرار داشته و تأثیر متغیر سرمایه فرهنگی را بر مدیریت بدن مورد بررسی قرار داده بودند، انتخاب گردید. در مرحله سوم ویژگی‌هایی نظیر روش آماری، جامعه آماری، روش نمونه‌گیری، حجم نمونه، فرضیه‌ها یا سؤالات، چهارچوب نظری، نتایج داده‌های مورد نیاز و سطح معنی‌داری پژوهش‌های یافت شده استخراج و ثبت گردید و به‌منظور بررسی پایایی، منابع شناسایی شده این اطلاعات در اختیار دو داور قرار داده شد و دقت و صحت داده‌ها و نیرومندی پژوهش‌ها ارزیابی شد. پس از بررسی‌های لازم، تعداد ۱۰ پژوهش که دارای خصوصیت‌های مذکور و تأیید مناسب داوران بودند، انتخاب گردید. فهرست پژوهش‌های انتخاب شده و خصوصیات آنها در جداول شماره ۱ و ۲ آمده است.

لازم به ذکر است که در کلیه تحقیقات مورد بررسی در این مطالعه، سنجش متغیر مدیریت بدن از روال نسبتاً مشابهی پیروی نموده و با آیت‌هایی مانند چگونگی کنترل وزن و تناسب اندام، آرایش، نحوه لباس پوشیدن، مراقبت‌های بهداشتی و غیره مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در خصوص متغیر سرمایه فرهنگی یا به‌طور واضح ابعاد سه‌گانه (ذهنی، عینی و نهادی) مورد بررسی قرار گرفته است (تحقیقات شماره ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱) و یا اشاره مستقیم و واضحی به این ابعاد نشده و به‌طور ضمنی بر اساس سایر توضیحات استنباط می‌شود که جنبه‌های سه‌گانه مذکور مورد نظر محقق بوده است (مطالعات شماره ۶، ۹، ۸، ۱۰).

1. Irandoc
2. SID
3. magiran
4. noormags

جدول ۱. مشخصات پژوهش‌های انتخاب‌شده جهت فراتحلیل

ردیف	نویسندگان	عنوان پژوهش	محل پژوهش	سال پژوهش	حجم نمونه	روش نمونه‌گیری	جنسیت
۱	هایل حیدر خانی و همکاران	بررسی رابطه ابعاد سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن	شهر کرمانشاه	۱۳۹۲	۳۲۰	خوشه‌ای چند مرحله	زن
۲	ابوالقاسم فاتحی و ابراهیم اخلاصی	مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن	شهر شیراز	۱۳۸۷	۴۰۰	خوشه‌ای چند مرحله	زن
۳	بهرام سلطانی و همکاران	ارتباط سرمایه فرهنگی با مدیریت بدن در میان دانشجویان شهر تبریز	دانشگاه تبریز	۱۳۹۱	۲۳۵	طبقه‌ای تصادفی	زن و مرد
۴	فاطمه مؤدی و همکاران	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن	شهرستان مشهد	۱۳۹۲	۳۶۰	خوشه‌ای چند مرحله	زن
۵	محمد عباس زاده و همکاران	تأثیر سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی اقتصادی و سلامت روان بر مدیریت بدن	شهر تبریز	۱۳۹۲	۳۸۴	طبقه‌ای تصادفی	زن
۶	قربانعلی ابراهیمی و آرش ضیاء پور	بررسی جامعه‌شناسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن	شهر گیلانغرب	۱۳۹۱	۴۰۲	خوشه‌ای چند مرحله	زن و مرد
۷	قربانعلی ابراهیمی و عباس بهنوئی گدنه	سرمایه فرهنگی، مدیریت ظاهر و جوانان	شهر بابلسر	۱۳۸۹	۳۸۰	خوشه‌ای چند مرحله	زن و مرد
۸	تقی آزاد ارمکی و حسن چاوشیان	بدن به مثابه رسانه هویت	شهر تهران	۱۳۸۰	۸۲۵	خوشه‌ای چند مرحله	زن و مرد
۹	مهدی ادیبی سده و همکاران	تبیین جامعه‌شناسی مدیریت بدن	شهر تبریز	۱۳۹۰	۷۳۸	خوشه‌ای چند مرحله	زن
۱۰	فرهاد حصاری و همکاران	تأثیر ابعاد سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن جوانان	شهر کرمانشاه	۱۳۹۲	۳۸۰	خوشه‌ای چند مرحله	زن و مرد

در مرحله بعد، برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از پژوهش‌های مورد نظر، برای انجام محاسبات آماری از برنامه فراتحلیل جامع^۱ ویرایش دو پس از کدگذاری استفاده گردید. بدین ترتیب که آزمون‌های آماری استفاده شده در تحقیقات مختلف یکسان‌سازی و به اندازه اثر تبدیل شد. البته لازم به ذکر است که در کلیه پژوهش‌های استفاده شده در این

1. CMA





فرا تحلیل، جهت بررسی رابطه متغیرهای مدیریت بدن و سرمایه فرهنگی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده است که ضریب آن معادل ضریب تغییر در جدول شماره ۲ است و تنها استثناء، مربوط به بررسی شماره ۸ است که ضریب مورد استفاده همبستگی کندال تاو b معادل ۰/۲۳ درصد است که آن به ضریب تغییر تبدیل گردید. در مرحله بعد، ترکیب اندازه‌های اثر به روش هانتز و اشمیت مورد نظر قرار گرفته و برای تفسیر اندازه اثر، از جدول کوهن استفاده شد. کوهن در طبقه بندی تفسیری برای اهمیت نسبی اندازه‌های اثر، برای اندازه‌های اثر خانواده d، مقادیر ۰/۲، ۰/۵ و ۰/۸ و برای اندازه‌های اثر از خانواده t، مقادیر ۰/۱، ۰/۳ و ۰/۵ را به ترتیب نشانگر کوچک، متوسط و بزرگ دانسته است.

یافته‌ها

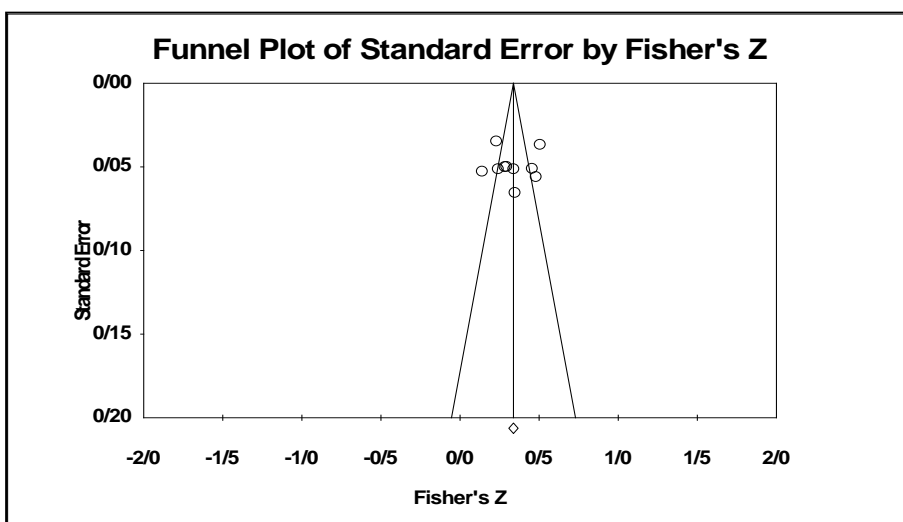
جدول شماره ۲ نشان دهنده اندازه اثر^۱ در خصوص رابطه بین سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن با فاصله معناداری ۹۵ درصد در هر کدام از پژوهش‌های انتخاب شده است. اندازه اثر نشان دهنده میزان یا درجه حضور پدیده‌ها در جامعه و برابر با نسبت سطح معناداری به شاخصی از حجم نمونه است. در پژوهش‌های مورد بررسی بیشترین اندازه اثر مربوط به پژوهش شماره ۹ و ۵ و کمترین اثر مربوط به پژوهش‌های شماره ۴ و ۷ است.

جدول ۲. نتایج رابطه سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن در هر یک از ۱۰ مطالعه

مقدار P	مقدار Z	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		انحراف معیار	اندازه اثر	رتبه
		حد بالای اندازه اثر	حد پایین اندازه اثر			
۰/۰۰۰	۰/۶۳۰	۰/۵۳۳	۰/۳۵۸	۰/۰۴۵	۰/۴۵۰	۱
۰/۰۰۰	۰/۷۳۲	۰/۳۶۸	۰/۱۸۷	۰/۰۴۶	۰/۲۸۰	۲
۰/۰۰۰	۰/۳۴۲	۰/۴۴۶	۰/۲۱۸	۰/۰۵۸	۰/۳۳۷	۳
۰/۰۰۰	۲/۲۷۱	۰/۲۴۳	۰/۰۴۰	۰/۰۵۲	۰/۱۴۳	۴
۰/۰۰۰	۸/۹۷۷	۰/۵۰۸	۰/۳۴۵	۰/۰۴۲	۰/۴۳۰	۵
۰/۰۰۰	۵/۹۶۴	۰/۳۳۷	۰/۱۹۸	۰/۰۴۶	۰/۲۹۰	۶
۰/۰۰۰	۰/۷۵۳	۰/۳۳۳	۰/۱۴۳	۰/۰۴۹	۰/۲۴۰	۷
۰/۰۰۰	۰/۷۱۴	۰/۲۹۴	۰/۱۶۴	۰/۰۳۳	۰/۲۳۰	۸
۰/۰۰۰	۰/۸۲۸	۰/۵۲۴	۰/۴۱۲	۰/۰۲۹	۰/۴۷۰	۹
۰/۰۰۰	۶/۶۵۷	۰/۴۱۷	۰/۲۳۷	۰/۰۴۶	۰/۳۳۰	۱۰

1. effect size

نداشتن سوگیری انتشار یکی از پیش فرض های مهم فراتحلیل محسوب می شود. در این فراتحلیل برای بررسی تورش انتشار از نمودار کیفی استفاده شده است. در نمودار کیفی محور افقی نشان دهنده مقادیر اندازه اثر و محور عمودی خطای معیار آنها است. مطالعاتی که دارای خطای استاندارد پایین بوده و بالای قیف جمع می شود، دارای سوگیری انتشار نیستند و هرچه به سمت پایین کشیده شوند، دارای خطای استاندارد بیشتر و در نتیجه سوگیری انتشار بیشتری هستند. در این پژوهش با توجه به نمودار شماره ۱، مطالعات مورد استفاده شده در این فراتحلیل دارای سوگیری انتشار کم است.



نمودار ۱. نمودار کیفی تورش انتشار پژوهش های اولیه

با توجه به اینکه هدف اصلی فراتحلیل، ترکیب شاخص های مختلف تحقیقات انجام شده و ارائه یک شاخص کلی است، در جدول شماره ۳ اندازه های اثر ترکیبی بر اساس دو مدل ثابت و تصادفی ارائه شده است. در مدل ثابت فرض می شود که یک اندازه اثر واقعی وجود دارد که زیربنای همه تحلیل هاست و تفاوت های اندازه اثر تحقیقات اولیه به دلیل خطای نمونه گیری است. در مقابل و در مدل اثرات تصادفی، فرض می شود اندازه تأثیر واقعی از تحقیقی به تحقیق دیگر در حال تغییر است که یکی از علل آن می تواند وجود متغیرهای مداخله گر در روابط بین متغیرهای وابسته و مستقل باشد (برنشتاین، ۲۰۱۴). در مطالعه حاضر با برتری داده های مربوط به حد پایین تر نسبت به حد بالاتر در مقابل



داده‌های مربوط به برآورد هدف، فرضیه مورد بررسی در این تحقیق یعنی وجود رابطه بین سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن، در هر دو مدل تأیید می‌شود و اندازه اثر ترکیبی کلی در مدل اثرات ثابت برابر ۰/۳۲۵، در مدل اثرات تصادفی برابر ۰/۳۲۴ و هر دو مدل معنادار هستند.

جدول ۳. یافته‌های فراتحلیل به روش ترکیب اندازه اثر

p	Z	فاصله اطمینان ۹۵٪		اندازه اثر ترکیبی	تعداد مطالعه	مدل
		حد بالا	حد پایین			
۰/۰۰۰	۲۲/۳۳۶	۰/۳۵۲	۰/۲۹۹	۰/۳۲۵	۱۰	ثابت
۰/۰۰۰	۸/۳۸۱	۰/۳۹۲	۰/۲۵۲	۰/۳۲۴	۱۰	تصادفی

جهت تعیین مدل نهایی و اطمینان از وجود متغیرهای تعدیل کننده، آزمون‌های ناهمگنی صورت پذیرفته که نتایج آن در جدول شماره ۴ مشاهده می‌گردد. در این آزمون، در صورت وجود ناهمگنی معنادار، مدل تصادفی انتخاب می‌شود و در بررسی‌ها فرض می‌گردد که ماهیت روابط بین متغیر مستقل و وابسته تحت تأثیر متغیر تعدیل کننده، است. همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، بر اساس میزان Q و سطح معناداری آن، ناهمگنی در مطالعات اولیه معنادار بوده، به علاوه شاخص I نیز نشانگر آنست که بیش از ۸۵ درصد پراکنش‌ها واقعی و ناشی از وجود متغیرهای تعدیل کننده است. بنابراین مطالعات اولیه از ناهمگنی نسبتاً بالایی برخوردار بوده و مدل تصادفی به عنوان مدل این فراتحلیل در نظر گرفته می‌شود.

جدول ۴. شاخص‌های ناهمگنی

سطح معناداری	مجذور I	Q کوکوران
۰/۰۰۰	۸۵/۳۶۳	۶۱/۴۹۰

با در نظر گرفتن فرض اثر متغیرهای تعدیل کننده و ناهمگنی در مطالعات اولیه، بررسی محققین نشانگر آن بوده است که یکی از علت‌های وجود ناهمگنی در نتایج را می‌توان به وجود تفاوت سطح ارتباط ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی با مدیریت بدن نسبت داد. سرمایه فرهنگی از سه بخش سرمایه تجسم یافته، سرمایه عینیت یافته و سرمایه نهادی تشکیل شده است که سرمایه فرهنگی عینیت یافته در پیش بینی میزان مدیریت بدن اهمیت بیشتری دارد و در پژوهش‌هایی که تأکید بیشتری بر این بخش داشته‌اند، رابطه همبستگی قوی تری بین متغیرهای مورد بررسی به دست آمده است.



جنسیت از جمله متغیرهای تعدیل‌گر در روابط این دو متغیر است که عامل دیگر ناهمگنی محسوب می‌شود. نتایج تحلیل فرعی از فراتحلیل در دو گروه پژوهش‌های با نمونه زن و پژوهش‌های با نمونه هر دو جنس جهت بررسی بیشتر در جدول شماره ۵ آمده است. با توجه به اینکه مدل انتخابی در این فراتحلیل مدل تصادفی بوده، ملاحظه می‌شود که اندازه اثر ترکیبی رابطه متغیرهای سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن در بین زنان معادل ۰/۳۷ و در بین کلیه افراد اعم از زن و مرد معادل ۰/۲۷ است که این نشان می‌دهد ارتباط این دو متغیر در بین زنان به مراتب قوی‌تر از مردان است.

جدول ۵. یافته‌های اندازه اثر در پژوهش‌های با نمونه صرفاً زن و پژوهش‌های با نمونه دو جنس

p	z	فاصله اطمینان ۹۵٪		اندازه اثر ترکیبی	تعداد مطالعه	مدل	پژوهش‌های انتخاب شده
		حد بالا	حد پایین				
۰/۰۰۰	۱۸/۵۹۰	۰/۴۱۳	۰/۳۴۱	۰/۳۷۸	۵	ثابت	پژوهش‌های با نمونه زن
۰/۰۰۰	۵/۴۳۶	۰/۴۷۴	۰/۲۳۷	۰/۳۶۱	۵	تصادفی	پژوهش‌های با نمونه هر دو جنس
۰/۰۰۰	۰/۰۸۱	۰/۳۱۰	۰/۲۳۲	۰/۲۷۱	۵	ثابت	
۰/۰۰۰	۱۱/۶۴۱	۰/۳۱۸	۰/۲۳۰	۰/۲۷۵	۵	تصادفی	

بحث و نتیجه‌گیری

ظاهر در فرهنگ، دوره مدرنیته، به عنوان منبع اصلی تعیین معنا و مهم‌ترین عنصر هویت‌ساز است که افراد با وقوف به اهمیت ظاهر، به مدیریت بدن خود روی آورده و با علاقه‌ای روبه رشد، هر روز بیش از پیش مسئولیت طراحی بدن‌های خود را عهده‌دار می‌شوند. به طوری که در جامعه معاصر، افراد به سختی‌هایی چون رژیم غذایی، جراحی‌های زیبایی، صرف هزینه‌های زیاد جهت آرایش، مد و غیره تن می‌دهند تا بدنی جذاب بیابند و حتی گاهی در طی این فرایند، لطمات جبران‌ناپذیری بر بدن خود وارد می‌کنند.

نظریات و رویکردهای مختلفی به موضوع مدیریت بدن توجه کرده‌اند. در حالی که رویکردهای روان‌شناسی و روان‌کاوی مفروضات فردگرایانه را مبنا قرار می‌دهند و علت مشکلات را در سطح فردی جستجو نموده و به متن اجتماعی و فرهنگی توجهی ندارند، رویکردهای جامعه‌شناسانه علت بروز پدیده‌ها را در جامعه جستجو نموده و علل فرهنگی و اجتماعی برای آن قایل هستند.



سرمایه فرهنگی از جمله عوامل مورد تأکیدی است که در تحقیقات مختلف به بررسی ارتباط آن با مدیریت بدن پرداخته شده است. سرمایه فرهنگی به معنای تمرکز و انباشت انواع مختلف کالاهای ملموس فرهنگی و نیز قدرت و توانایی در اختیار گرفتن این کالاها و همچنین استعداد و ظرفیت فرد در شناخت و کاربرد آنهاست و به سه دسته سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینیت یافته و نهادی قابل طبقه بندی است.

پژوهش های انجام گرفته در خصوص این موضوع از ترکیبی از نظریات جامعه شناسانی چون گیدنز، بوردیو، گافمن و فوکو در چهارچوب نظری خود استفاده نموده اند که البته در بیشتر این مطالعات، نظریات بوردیو اهمیت بیشتری داشته است.

نتایج حاصل از به کارگیری روش فراتحلیل با بهره گیری از روش ترکیب اندازه اثر در پژوهش حاضر، نشان داد رابطه معناداری بین سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن وجود دارد و اندازه اثر ترکیبی کلی در مدل اثرات تصادفی برابر $0/324$ است که بر طبق معیار کوهن، یک اندازه اثر متوسط محسوب می شود و به عبارت دیگر سرمایه فرهنگی نقش متوسطی را در تبیین واریانس مدیریت بدن ایفا می کند. همچنین در این مطالعه به سبب ناهمگنی نتایج تحقیقات اولیه، اثر متغیرهای تعدیل کننده جنسیت مورد بررسی قرار گرفت که نتایج، حاکی از معنادار بودن اثر جنسیت به عنوان عنصر تعدیل کننده بود و با افزایش سرمایه های فرهنگی، زنان میزان بالاتری از مدیریت بدن را نشان می دادند که شاید به این دلیل است که نوع مدیریت بدن در زنان بیش از مردان متأثر از میدان اجتماعی است. همچنین زنان بیش از مردان بر اساس ویژگی های جسمانی خود مورد قضاوت قرار می گیرند و ارائه الگوها و ایده آل های فرهنگی توسط رسانه های ارتباط جمعی و تکنولوژی های نوین بیشتر بر زنان متمرکز است.

همچنین بررسی در مطالعات انتخاب شده در این فراتحلیل نشان داد بین بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی یعنی مصرف کالاهای فرهنگی و مدیریت بدن، ارتباط قوی تری وجود دارد و تحقیقاتی که بر این جنبه تأکید بیشتری داشته اند، میزان های بالاتری از ارتباط را به دست آورده اند.

در دنیای مدرن ظاهر به یک رسانه هویتی تبدیل شده است و هویت اجتماعی افراد با مدیریت ظاهری بدن آنها مطابقت دارد. در این جامعه نه تنها سرمایه های فرهنگی با نهایت ظرافت چگونگی اصلاح، تنظیم و کنترل بدن را به اعضای جامعه آموخته و امکان این



بازاندیشی را فراهم می آورند، بلکه افراد را جهت حفظ هویت و تشخیص و تمایز لازم ناچار به پیروی از آن می نمایند.

ارتباط بین سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن دارای پشتوانه محکم نظری و تجربی و مؤید نظریه بوردیو و گیدنز است. در دنیای مدرن که دارای زمینه‌ای فرهنگی است، افراد با نمایش عناصر فرهنگی مانند لباس، آرایش، موسیقی و فیلم مصرفی، هویت خود را تعریف می کنند و بدن با قرار گرفتن نقشی واسط میان مصرف و هویت، به مکان اصلی نمایش تفاوت‌ها تبدیل شده است. به علاوه بهره‌مندی از سرمایه فرهنگی، نشان از جایگاه فرد در سلسله مراتب اجتماعی داشته و میزان برخوردارگی وی را از فرصت‌ها و ارزش‌ها مشخص می‌سازد؛ سرمایه فرهنگی به عنوان بستر سرمایه اجتماعی است و هر چه بر میزان سرمایه‌های فرهنگی مانند تحصیلات دانشگاهی و سطح سواد خانواده، استفاده از رسانه‌ها و غیره افزوده می‌شود، امکان بازاندیشی در این افراد افزایش می‌یابد.

امروزه سرمایه‌های فرهنگی با افزایش ارتباطات و جهانی شدن، امکان انتقال طیف گسترده‌ای از اطلاعات، اندیشه‌ها، مفاهیم و پیام‌ها را یافته‌اند که به اشاعه نظام ارزشی مدرنی کمک می‌کند که طرفدار مصرف‌گرایی، نوآوری و تحول در نظام ارزشی است و به نظر می‌رسد چنانچه جامعه‌ای در صدد حفظ ارزش‌ها و هنجارهای ملی و مذهبی خود و تمایل به متجسم کردن این ارزش‌ها در بدن افراد جامعه باشد، لازم است افراد جامعه را به سرمایه‌های فرهنگی بومی مطابق با ارزش‌های فرهنگی خود مسلح کند. پس در این خصوص پیشنهاد می‌گردد مقوله‌های مرتبط با مدیریت بدن در رسانه‌های فرهنگی مانند فیلم‌های تلویزیونی، سریال‌ها، کتاب‌های درسی و رمان‌ها چنان گنجانده و تنظیم گردد که در آن نوع رفتار متناسب با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه تجلی یابد.



منابع

ابادری، یوسف و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات. پژوهش زنان، زمستان، ۴ (۶)، ۱۶۰-۱۲۷.

ابراهیمی، قربانعلی و بهنوئی گدنه، عباس (۱۳۸۸). سرمایه فرهنگی، مدیریت ظاهر و جوانان (مطالعه دختران و پسران شهر بابلسر). پژوهش زنان، ۸ (۳)، ۱۷۶-۱۵۳.

ابراهیمی، قربانعلی و ضیاءپور، آرش (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن. جامعه‌شناسی کاربردی، ۴۵، ۱۴۸-۱۲۵.

احمدنیا، شیرین (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی بدن و بدن زن، فصل زنان. به کوشش نوشین احمدی و پروانه اردلان، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۴۳-۱۳۲.

اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۸). بررسی نظری مبانی جامعه بدنی و لوازم آن با تأکید بر جامعه ایران. معرفت، ۱۳۹، ۱۰۶-۸۵.

ادیبی سده، مهدی؛ عزیزاده، مهستی و کوهی، کمال (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن در میان زنان. مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)، ۹ (۳)، ۸۴-۵۹.

آزاد ارمکی، تقی و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱). بدن به مثابه رسانه هویت. جامعه‌شناسی ایران، ۴ (۴)، ۷۵-۵۷. افراسیابی، حسین و خرم‌پور، یاسین (۱۳۹۴). فرانوگرایی فرهنگی و رابطه آن با جهان‌گرایی در بین جوانان شهر یزد. تحقیقات فرهنگی ایران، ۸ (۲)، ۲۱۵-۱۸۹.

بهار، مهری و و کیلی قاضی جهان، محمدرضا (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان جراحی‌های زیبایی صورت. زن در توسعه و سیاست، ۹ (۱)، ۹۲-۶۳.

جلایی‌پور، حمیدرضا و محمدی، جمال (۱۳۸۸). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی (چاپ دوم). تهران: نشر نی. حصاری، فرهاد؛ فقیهی، علیرضا؛ نوروزی، عزالدین و کرمی، یعقوب (۱۳۹۲). تأثیر ابعاد سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن جوانان شهر کرمانشاه. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی، قم: دانشگاه پیام نور.

حیدرخانی، هابیل؛ حاج آقایی، لیلا و رحمانی، غلام‌عباس (۱۳۹۲). بررسی رابطه ابعاد سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن در زنان. زن و فرهنگ، ۱۸، ۶۹-۵۵.

خواججه‌نوری، بیژن و مقدس، علی‌اصغر (۱۳۸۸). رابطه بین تصور از بدن و فرایند جهانی شدن. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۰ (۱)، ۲۴-۱.

خواججه‌نوری، بیژن؛ روحانی، علی و هاشمی، سمیه (۱۳۹۰). رابطه سبک زندگی و تصور از بدن. تحقیقات فرهنگی ایران، ۴ (۱)، ۱۰۳-۷۹.

دلاور، علی (۱۳۸۱). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد





- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۵). فرهنگ مطالعات جوانان. تهران: نشر آگه.
- ذکایی، محمدسعید و فرزانه، حمیده (۱۳۸۷). زنان و فرهنگ بدن: زمینه‌های انتخاب جراحی‌های زیبایی در زنان تهران. *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۱، ۶۱-۴۵.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی جوانان ایران*. تهران: نشر آگه.
- رضایی، احمد؛ اینانلو، مینا و فکری، محمد (۱۳۸۹). مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران. *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، ۴۷، ۱۷۰-۱۴۱.
- ریترز، جرج (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: انتشارات علمی.
- سلطانی بهرام، سعید؛ عزیززاده اقدم، محمدباقر و کوهی، کمال (۱۳۹۱). ارتباط سرمایه فرهنگی با مدیریت بدن در میان دانشجویان دانشگاه تبریز. *رفاه اجتماعی*، ۴۷، ۲۰۵-۱۸۱.
- عباس‌زاده، محمد؛ اقدسی علمداری، فرانک؛ کوهی، کمال و سعادت‌تی، موسی (۱۳۹۲). تأثیر سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سلامت روان بر مدیریت بدن. *علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۰ (۲)، ۲۲۳-۱۹۷.
- عزیززاده، توحید (۱۳۹۲). تأملی در جامعه‌شناسی بدن. *علوم اجتماعی*، ۷۲، ۲۱-۱۳.
- فاتحی، ابوالقاسم و اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۷). مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن (مطالعه موردی: زنان شهر شیراز). *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، ۴۱، ۴۲-۹.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: انتشارات بهجت.
- قادرزاده، امید؛ محمدپور، احمد و غلامی، احمد (۱۳۹۲). خال کوبی و برساخت هویت فردی بازتابنده. *مسائل اجتماعی ایران*، ۴ (۱)، ۸۵-۱۶۱.
- کیوان آرا، محمود (۱۳۸۶). اصول و مبانی جامعه‌شناسی پزشکی. اصفهان: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- کیوان آرا، محمود؛ قربانی، رسول و ژیان‌پور، مهدی (۱۳۸۹). قشربندی اجتماعی و اصلاح بدن، (جراحی زیبایی به مثابه نماد پایگاه اجتماعی). *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، ۴۷، ۹۸-۷۳.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۹). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: انتشارات علمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدی*. (مترجم: ناصر موفقیان). تهران: نشر نی.
- لوپز، خوزه و اسکات، جان (۱۳۸۵). *ساخت نظریه اجتماعی*. (مترجم: حسین قاضیان). تهران: نشر نی.
- مختاری، مریم و عنایت، حلیمه (۱۳۹۰). نقش نگرش‌های جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنان. *زن در توسعه و سیاست*، ۹ (۳)، ۸۷-۶۷.
- مهدوی، سید محمدصادق و عباسی اسفنجیر، علی‌اصغر (۱۳۸۹). بررسی میزان تمایل به مدیریت بدن و کنترل اندام و عوامل مؤثر بر آن. *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۱ (۱)، ۱۴۴-۱۳۱.

موحد، مجید؛ غفاری نسب، اسفندیار و حسینی، مریم (۱۳۸۹). آرایش و زندگی اجتماعی دختران جوان.

پژوهش زنان، ۸(۱)، ۷۹-۱۰۵.

مؤدی، فاطمه؛ اصغرپور ماسوله، احمدرضا و حسنی درمیان، غلامرضا (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی

مؤثر بر مدیریت بدن دختران نوجوان شهرستان مشهد، در مجموعه مقالات تحولات سبک زندگی در

ایران، جلد دوم، (چاپ اول، صص ۵۱۲-۴۷۹). انتشارات تیسرا.

میرزایی، محمد؛ زنجانی، حبیب و قربانعلی پور، سحر (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش زنان

به مدیریت بدن در ایران طی سه دهه اخیر. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۵(۴)، ۱۱۳-۱۰۰.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۷). راهنمای عملی فراتحلیل در پژوهش علمی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین

کتاب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

Annandale, E. (1998). *The sociology of health and medicine: A critical introduction*. Cambridge: The Polity Press.

Atkinson, M. (2008). Explorin male feminity in the 'crisis': Men and cosmetic surgery. *Body & Society*, 14 (1): 67-87.

Blak, P., & Sharma, U. (2001). Men are real women are made up: Beauty therapy and the construction of feminist. *Sociological Review*, London, 49, 100-116.

Borenstein, M., Hedges, L. V., Higgins, J. P. T., & Rothstein, H. R. (2009). *Introduction to meta-analysis*. John Wiley & Sons, Ltd, UK.

Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital in handbook of theory and research for the sociology of education*, J.G. Richardson (ed.). New York: Greenwood Press, 241-258.

Davis, K. (1996). *From objectified body to embodied subject: A biographical approach to cosmetic surgery*. In S. Wilkson (ed.), *Feminist social psychologies* (pp. 104-117). Philadelphia: Open University press.

Deborah, C., & Friedman, A. (2006). Body weight and the quality of interpersonal relationships. *Social Psychology Quarterly*. 69(2), 127-149.

Douglas, M. (1970). *Natural Symbols: Explorations in cosmology*. London, 127.

Featherstone, M., Hepworth, M., & Turner, B. S. (1991). *The body: Social process and cultural theory*. London & New Delhi: Sage Publications.

Gimlin, D. (2006). The absent body project: Cosmetic surgery as a response to bodily dye-appearance. *Sociology*, 40 (4), 699-716.

Groth, M. V., Fagt, S., Stockmarr, A., Matthiessen, J., & Biloft- Jensen, A. (2009). Dimensions of socioeconomic position related to body mass index and obesity danish woman and men. *Scandinavian Journal of Public Health*, 37, 418-426.

Helman, C. G. (2007). *Culture, health and illness: An introduction for health professionals* (5th ed.), London: Hodder Arnold Publication.

Howson, A., & Inglis, D. (2001). The body in sociology: Tensions inside and outside sociological thought. *Sociological Review*. 49, 297-317.

Howson, A. (2005). *Embodying gender*. SAGE Publications Ltd. London.

Huang, J. S., Norman, G. J., Zabinski, M. F., Calfas, K., & Patrick, K. (2007). Body image and self-esteem among adolescents undergoing an intervention targeting



فصلنامه علمی- پژوهشی

۸۰

دوره نهم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۵

dietary and physical activity behaviors. *Journal of Adolescent Health*, 40(3), 245-251.

Lennon, Sh. J., & Rudd, N. A. (1994). Linkages between attitudes towards gender roles, body satisfaction, self esteem, and appearance management behaviors in women. *Family and Consumer Sciences Research Journal*, 24, 94-117.

Nettelton, S., & Watson, J. (1998). *The body in everyday life*. London and New York: Routledge.

Peiss, K. (1996). *Feminism and the history of the face, Body and political body*. New York: Guilford publication.

Peiss, K. (1996). *Feminism and the history of the face*. In T. R. Chatzki, & W. Natte (eds.), *Body and Political Body*. New York: Guilford Publication.

Shilling, C. (1993). *Body and social theory*. London: SAGE Publication.

Shilling, C. (2005). *The body in culture, technology & society*. London: SAGE Publication.

Tiggemann, M., & Ruutel, E. (2001). A cross-cultural comparison of body dissatisfaction in Estonian and Australian young adult and its relationship with media exposure. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32 (6), 736-742.

Toni, C. (2004). *The dove report: Challenging beauty*. New York: Edelman Publication.

Turner, J. H. (2003). *The structure of sociological theory*. USA: Wadsworth.

Wolf, N. (1991). *The beauty myth: How images of beauty are used against women*. New York: William Morrow and Company, Inc.



Meta-Analysis of the Relationship between Cultural Capitals and Body Management

Received Date: April 19, 2015

Accepted Date: April 21, 2016

Sedigheh Shoa¹

Mohsen Niazi²

Abstract

In today's society, body management in the sense of continual manipulation in the visual aesthetics has been expanded dramatically. Body is a very important issue theoretically and practically and many studies have addressed it. Moreover, there are much debates on body as a social and identity-making element in sociology. Body management is common among the youth, and different behaviors such as body building, food diets and make up have been represented for it.

In this study that aimed to the meta-analysis of the relationship between body management and cultural capitals, 10 studies from 38 research in the body management which has the necessary qualifications, were selected from databases and by using comprehensive meta-analysis (CMA), data were analyzed.

In this study, according to results of the heterogeneity, random effects model was appropriate and the measure of the combined effect relationship was 32 percent that is a medium effect size based on the Cohen's criteria. In other words, the cultural capital plays a medium role in the variance explanation of body management.

Keywords: Body Management, Cultural Capital, Meta-Analysis, Sociology of the Body.



IJCR

9

Abstract

1. PhD Candidate of Sociology, Department of Social Sciences, University of Kashan, shoaae@grad.kashanu.ac.ir.

2. Professor, Department of Social Sciences, University of Kashan, (Corresponding Author), niazim@kashanu.ac.ir.



Bibliography

- 'Abās Zādeh, M., Aghdasi Alamdari, F., Kuhi, K., & Saadi, M. (1392 [2013 A.D]). Ta'sir-e sarmāyeh hā-ye ejtemā'i, farhangi va eqtesādi va salāmāt-e ravān bar modiriat-e badan. *'Olum-e ejtemā'i (Dānešgāh-e Ferdusi-e Mašhad, Dāneškadeh-ye Adabiāt va 'Olum-e Ensāni)*, 10, 197-223.
- Abāzari, Y., & Hamidi, N. (1387 [2008 A.D]). Jāme'eh šenāsi-e badan va pāreh-i monāqešāt, *Pažuheš-e zanān*, 4(6): 127-160.
- Adibi Sadeh, M., Alizadeh, M., & Kuhi, K. (1390 [2011 A.D]). Tabyin-e jāme'eh šenāxti-e modiriat-e badan dar miān-e zanān. *Motāle'āt-e ejtemā'i- ravān šenāxti-e zanān (Motāle'āt-e zanān)*, 9(3), 59-84.
- Afrās-yābi, H., Xoram Pur, Y. (1394 [2015 AD]). Farānugerāyi-e farhangi va rābeteh-ye ān bā jahāngerāyi dar beyn-e javānān-e šahr-e Yazd. *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 8 (2), 189-215.
- Ahmadniā, Š. (1384 [2005 A.D]). *Jāme'eh šenāsi-e badan va badan-e zan, fasl-e zanān*. Tehrān: Enteshārāt-e Rošangarān va Motāle'āt-e Zanān, 132-143.
- 'Alizādeh, T. (1392 [2013 A.D]). Ta'amol-i dar jāme'eh šenāsi-e badan. *'Olum-e ejtemā'i*, 72, 13-21.
- Annandale, E. (1998). *The sociology of Health and Medicine: A critical introduction*. Cambridge: The Polity Press.
- Atkinson, M. (2008). Explorin male feminity in the 'crisis': Men and cosmetic surgery. *Body & Society*, 14 (1): 67-87.
- Bahār, M., & Vakili Qāzi Jahān, M. R. (1390 [2011 A.D]). Tahlil-e goftmān-e jarāhi hā-ye zibāyi-e surat. *Zan dar tuse'eh va siāsat*, 9(1), 63-92.
- Blak, P., & Sharma, U. (2001). Men are real women are made up: Beauty therapy and the construction of feminist. *Sociological Review*, London, 49, 100-116.
- Borenstein, M., Hedges, L. V., Higgins, J. P. T., & Rothstein, H. R. (2009). *Introduction to meta-analysis*. John Wiley & Sons, Ltd, UK.
- Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital in handbook of theory and research for the sociology of education*, J.G. Richardson (ed.). New York: Greenwood Press, 241-258.
- Coser, L. A. (1377 [1998 A.D]). *Zendegi va andiše-ye bozorgān-e jāme'eh šenāsi*. (Persian translation of Masters of sociological thought; ideas in historical), translated by: Salāsi, M. Tehrān: Našr-e 'Elmi.
- Davis, K. (1996). *From objectified body to embodied subject: A biographical approach to cosmetic surgery*. In S. Wilkson (ed.), *Feminist social psychologies* (pp. 104-117). Philadelphia: Open University press.
- Deborah, C., & Friedman, A. (2006). Body weight and the quality of interpersonal relationships. *Social Psychology Quarterly*. 69(2), 127-149.
- Delāvar, 'A. (1381 [2002 A.D]). *Mabāni-e nazari va 'amali-e pažuheš dar 'olum-e ensāni va ejtemā'i*, Tehrān: Enteshārāt-e Rošd
- Douglas, M. (1970). *Natural Symbols: Explorations in cosmology*. London, 127.
- Ebrāhimi, Q. 'A. & Behnoei Gadaneh, 'A. (1388 [2009 A.D]). Sarmāyeh-ye farhangi, modiriat-e Zāher va javānān (motāle'eh-ye doxtrān va pesarān-e šahr-e Bābolsar). *Pažuheš-e zanān*, 8(3): 153-176.



- Ebrāhimi, Q. 'A., & Ziā' Pur, Ā. (1391 [2012 A.D]). Barresi-e Jāme'eh šenāsi-e ta'sir-e sarmāyeh-ye farhangi bar modiriāt-e badan. *Jāme'eh šenāsi-e kārbordi*, 45, 125-148.
- Exlāsi, E. (1388 [2009 A.D]). Barresi-e nazari-e mabāni-e jāme'eh-ye badani va lavāzem-e ān bā ta'kid bar jāme'eh-ye Irān, *Ma'refat*, 139, 85-106.
- Fakuhi, N. (1381 [2002 A.D]). *Tārix-e andišeḥ va nazariēḥ hā-ye ensān šenāsi*. Tehrān: Enteshārāt-e Behjat.
- Fātehi, A., & Exlāsi, E. (1387 [2008 A.D]). Modiriāt-e badan va rābeteh-ye ān bā pazireš-e ejtemā'i-e badan (motāle'eh-ye muredi: zanān-e šahr -e Širāz). *Motāle'āt-e rāhbordi-e zanān (Ketāb-e Zanan)*, 41, 9-42.
- Featherstone, M., Hepworth, M., & Turner, B. S. (1991). *The body: Social process and cultural theory*. London & New Delhi: Sage Publications.
- Giddens, A. (1378 [1999 A.D]). *Tajadod va tašaxos* (Persian translation of Modernity and self - Identity: Self and society in the late modern age), translated by: Muafaqiān, N. Tehrān: Našr-e Ney.
- Gimlin, D. (2006). The absent body project: Cosmetic surgery as a response to bodily dye-appearance. *Sociology*, 40 (4), 699-716.
- Groth, M. V., Fagt, S., Stockmarr, A., Matthiessen, J., & Biloft- Jensen, A. (2009). Dimensions of socioeconomic position related to body mass index and obesity danish woman and men. *Scandinavian Journal of Public Health*, 37, 418-426.
- Helman, C. G. (2007). *Culture, health and illness: An introduction for health professionals* (5th ed.), London: Hodder Arnold Publication.
- Hesāri, F., Faqihī, 'A. R., Nuruzi, 'E., & Karami, Y. (1392 [2013 A.D]). Ta'sir-e ab'ād-e sarmāyeh-ye farhangi bar modiriāt-e badan-e javānān-e šahr-e Kermānšāh. In *majmu'eh maqālāt-e duomin konferāns-e beyn al-melali-e modiriāt, kār āfarini va tuse'eh-ye eqtesādi*. Qom: Dānešgāh-e Payām-e Nur.
- Heydar Xāni, H., Hāj Āqāyi, L., & Rahmāni, Gh. 'A. (1392 [2013 A.D]). Barresi-e rābeteh-ye ab'ād-e sarmāyeh-ye farhangi va modiriāt-e badan dar zanān. *Zan va farhang*, 18, 55-69.
- Howson, A. (2005). *Embodying gender*. SAGE Publications Ltd. London.
- Howson, A., & Inglis, D. (2001). The body in sociology: Tensions inside and outside sociological thought. *Sociological Review*, 49, 297-317.
- Huang, J. S., Norman, G. J., Zabinski, M. F., Calfas, K., & Patrick, K. (2007). Body Image and Self-Esteem among Adolescents undergoing an Intervention Targeting Dietary and Physical Activity Behaviors. *Journal of Adolescent Health*, 40(3), 245-251.
- Human, H. 'A. (1387 [2008 A.D]). *Rāhnāmā-ye 'amali-e farātahlil dar pažuheš-e 'elmi*. Tehrān: SAMT (Sāzmān-e Motāle'eh va tadvin-e kotob-e 'olum-e Ensāni-e Dānešgāh hā).
- Jalāyi Pur, H. R., & Mohamadi, J. (1388 [2009 A.D]). *Nazariēḥ hā-ye mote'axer-e jāme'eh šenāsi* (2nd ed.). Tehrān: Našr-e Ney.
- Keyvān Ārā, M., Rabāni, R., & Žiān Pur, M. (1389 [2010 A.D]). Qešrbandi-e ejtemā'i va eslāh-e badan (jarāhi-e zibāyi beh masābeh-e namād-e pāyghāh-e ejtemā'i). *Motāle'āt-e rāhbordi-e zanān*, 47, 73-98.



- Keyvān Ārā, M. (1386 [2007 A.D]). *Osul va mabāni-e Jāme'eh šenāsi-e pezeški*. Esfahān, Enteshārāt-e Dānešgāh-e 'Olum-e Pezeški-e Esfahān.
- Lennon, Sh. J., & Rudd, N. A. (1994). Linkages between attitudes towards gender roles, body satisfaction, self esteem, and appearance management behaviors in women. *Family and Consumer Sciences Research Journal*, 24, 94-117.
- Lopez, J., & Scott, J. (1385 [2006 A.D]). *Sāxt-e nazariyeh-ye ejtemā'i*. (Persian translation of Social structure), translated by: Qāziān, H. Tehrān: Našr-e Ney.
- Mahdavi, M. S., & Abbāsi Esfejir, 'A. A. (1389 [2010 A.D]). Barresi-e mizān-e tamāyol beh modiriat-e badan va kontorol-e andām va 'avāmel-e mu'aser bar ān. *Jāme'eh šenāsi-e motāle'āt-e javānān*, 1 (1), 131-144.
- Mirzāyi, M., Zanjāni, H., & Qorbān'ali Pur, S. (1392 [2013 A.D]). Barresi-e 'avāmel-e ejtemā'i-e mu'aser bar gerāyeš-e zanān beh modiriat-e badan dar Irān tey-e seh daheh-ye axir, *Motāle'āt-e tuse'eh-ye ejtemā'i-e Irān*, 5(4), 100-113.
- Moaddi, F., Asghar Pur Māsuleh, A., & Hasani darmiyān, Gh. (1392 [2013 A.D]). Barresi-e 'avāmel-e ejtemā'i-e mu'aser bar modiriat-e badan-e doxtarān-e nujavān-e šahrestān-e Mašhad. *In majmu'eh maqālāt-e tahavolāt-e sabk-e zendegi dar Irān (2nd vol.)*. Tehrān: Enteshārāt-e Tisā, 479-511.
- Movahed, M., Ghafāri Nasab, E., & Hoseyni, M. (1389 [2010 A.D]). Ārāyeš va zendegi-e ejtemā'i-e doxtarān-e javān. *Pāzuheš-e zanān*, 8(1), 79-105.
- Moxtāri, M., & 'Enāyat, H. (1390 [2011 A.D]). Naqš-e negareš hā-ye jensiati dar peydāyeš-e tasavor-e badani-e zanān. *Zan dar tuse'eh va siāsat*, 9(3), 67-87.
- Nettelton, S., & Watson, J. (1998). *The body in everyday life*. London and New York: Routledge.
- Peiss, K. (1996). *Feminism and the history of the face, Body and political body*. New York: Guilford publication.
- Peiss, K. (1996). *Feminism and the history of the face*. In T. R. Chatzki, & W. Natta (eds.), *Body and Political Body*. New York: Guilford Publication.
- Qāder Zādeh, O., Mohammad Pur, A., & Gholami, A. (1392 [2013 A.D]). Xāl kubi va barsāxt-e huviat-e fardi-e bāztābandeh, *Masā'el-e ejtemā'i-e Iran*, 4(1), 85-161.
- Rezāyi, A., Inanloo, M., & Fekri, M. (1389 [2010 A.D]). Modiriat-e badan va ertebāt-e ān bā 'avāmel-e ejtemā'i dar beyn-e doxtarān-e Dānešgāh-e Māzandarān, *Ketāb-e zanān*, 47, 140-170.
- Ritzer, G. (1374 [1995 A.D]). *Nazariyeh hā-ye jāme'eh šenāsi dar durān-e mo'āser*. (2nd ed.). (Persian translation of Contemporary Sociological theory), translated by: Salāsi, M. Tehrān: Enteshārāt-e Elmi.
- Shilling, C. (1993). *Body and social theory*. London: SAGE Publication.
- Shilling, C. (2005). *The body in culture, technology & society*. London: SAGE Publication.
- Soltāni Bahrām, S., Alizadeh Aghdam, M.B., & Kuhi, K. (1391 [2012 A.D]). Ertebāt-e sarmāyeh-ye farhangī bā modiriat-e badan dar miān-e dānešjuān-e Dānešgāh-e Tabriz, *Refāh-e ejtemā'i*, 47, 181-205.
- Tiggemann, M., & Ruutel, E. (2001). A Cross-cultural comparison of body dissatisfaction in Estonian and Australian young adult and its relationship with media exposure. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32 (6), 736-742.

- Toni, C. (2004). *The dove report: Challenging beauty*. New York: Edelman Publication.
- Turner, J. H. (2003). *The structure of sociological theory*. USA: Wadsworth.
- Wolf, N. (1991). *The beauty myth: How images of beauty are used against women*. New York: William Morrow and Company, Inc.
- Xājeh Nuri, B., & Moqadas, 'A. A. (1388 [2009 A.D]). Rābeteh-ye beyn-e tasavor az badan va farāyand-e jahāni šodan, *Jāme'eh šenāsi-e kārbordi*, 20 (1), 1-24.
- Xājeh Nuri, B., Ruhāni, 'A., & Hāšemi, S. (1390 [2011 A.D]). Rābeteh-ye sabk-e zendegi va tasavor az badan, *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 4(1), 79-103.
- Zokāyi, M. S. (1385 [2006 A.D]). *Farhang-e motāle'āt-e javānān*. Tehrān: Našr-e Āgah.
- Zokāyi, M. S. (1386 [2007 A.D]). *Jāme'eh šenāsi-e javānān-e Irān*. Tehrān: Našr-e Āgah.
- Zokāyi, M. S., & Farzāneh, H. (1387 [2008 A.D]). Zanān va farhang-e badan: zamīneh hā-ye entexāb-e jarāhi hā-ye zibāyi dar zanān-e tehrān. *Motāle'āt-e fahangi va ertebātāt*, 11, 45-61.
- Āzād Armaki, T., & Čavošian, H. (1381 [2002 A.D]). Badan beh masābeh-e resāneh-ye huviat, *Jāme'eh šenāsi-e Irān*, 4(4), 57-75.



IJCR

13

Abstract